شاپا چاپی: ۱۸۴۱ - ۲۷۸۳
شاپا الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

تمدن حقوقی

دوره ۵ – شماره ۱۰ – بهار ۱۴۰۱

- مسئولیت مدنی کارشناس رسمی دادگستری در حقوق ایران و فرانسه با تاکید بر رویه قضایی حسن بادینی، سپیده راضی، محمد مهدی پور
- همدلی‌های سعدی شیرازی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن مجید نجارزاده هنجنی
- حمایت کیفری از حق بر محیط‌زیست شیما نادری، مجید مطلبی
- تبیین نقش جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی فرزانه دشتی، عبدالکریم شاحیدر
- آثار افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و آمریکا افشین مجاهد
- چالش های قضائی مقابله با جرایم زیست محیطی در حقوق کیفری ایران اسماعیل کشکولیان، عباس شیخ الاسلامی
- رویکرد حقوق هوایی بین‌المللی نسبت به مسئولیت ناشی از نشر ویروس کرونا در حمل و نقل هوایی یگانه سادات صفوی
- آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان محمدرضا بوربور
- میانجیگیری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا صادق فتیلی، سید محمد صالحی
- ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه سید جعفر هاشمی باجگانی، میثم سبحانی
- رویکرد سیاستگذاری های زیست محیطی در کاهش مخاطرات؛ راهبردها و رهیافت ها زهرا طلیعه علیا، داوود خرم دل
- قواعد فقهی کارا در مسئولیت اتلاف عمر اشخاص حمید سلیمانی، رحیمه عباسی بناری
- نقش نهادهاي سازمان ملل متحد در پيشگيري از آلودگي هاي محيط زيستي ناشي از پسماندها به منزله امنيت زيست جهاني رستم علی اکبری، سید مهدی موسوی
- مبانی تصحیح قراردادهای غیرمعهود با تمسک به اطلاقات و عمومات شرعی سید علیرضا امین
- فناوری های نوین باروری- زیستی و حقوق کودک؛ درآمدی بر آینده کودکی در ایران مریم شعبان
- آسیب شناسی کیفرگذاری موجود در جرایم خانوادگی موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵؛ از تبیین آسیب ها تا ارائه راهکارها مهدی مظفری اناری، محمد امینی زاده، علی عارفی مسکونی
- مجراي اصل صحت در معاملات با تأكيد بر امكان جريان آن در شبهات حكميه مانده چینی ساز، امید محمدی، قاسم شعبانی
- پیرامون نظریه بطلان تحقیقات مقدماتی در فرآیند دادرسی کیفری ایران (با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴) مسعود فدائی ده‌چشمه، امیر سلیمانی، حمیرا طاهری
- تأملی بر قانون حاکم بر تعهدات قراردادی عقد بیمه در ایران و ایالات متحده آمریکا فرزاد کرمی کلمتی، حامد بابائی
- بررسی تأسیس بیلمنت در نظام حقوقی انگلستان، ایالات متحده آمریکا و تطبیق آن با نهاد امانت در حقوق ایران نسترن ارزانیان، مهساسادات نبوی
- معیار تفکیک جرم آدم‌ربایی از جرایم مشابه در نظام کیفری ایران احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی، علی پایدارفرد
- درآمدی بر اصول و موانع استرداد مجرمین در حقوق بین الملل رضا علی پناه
- آثار کرونا بر عدالت کیفری اطفال و نوجوانان با نگاهی به حقوق ایالات متحده آمریکا پیمان دولتخواه پاشاکی
- جلوه هاي تغيير در سياست كيفري افتراقي جرائم نيروهاي مسلح ايران و ايالات متحده آمريكا با روش كيفرزداني و جرم زدايي یاسر شاکری، علیرضا صالحی، غلامحسین رضایی

Legal Civilization
vol. 5, No. 10, Spring 2022
Pages: 227-238
Article Type: Original Research
http://www.pzhfars.ir/article_146063.html
doi: 10.22034/LC.2022.143005

تمدن حقوقی
دوره ۵، شماره ۱۰، بهار ۱۴۰۱
صفحات ۲۳۸-۲۲۷
نوع مقاله: علمی پژوهشی

Efficient Jurisprudential Rules in the Responsibility of Wasting People's Time

قواعد فقهی کارا در مسئولیت اتلاف عمر اشخاص

Hamid Soleymani
Assistant Professor of Law, Bushehr Institute of Higher Education, Bushehr, Iran

Rahime Abbasi Bonari
Master of Private Law, Bushehr Institute of Higher Education, Bushehr, Iran (Corresponding Author)

حمید سلیمانی
استادیار گروه حقوق، مؤسسه آموزش‌عالی رهجویان دانش استان بوشهر، بوشهر، ایران

h.soleymani@mail.um.ac.ir
https://orcid.org/0000-0002-8916-4946

رحیمه عباسی بناری
کارشناس‌ارشد حقوق خصوصی، مؤسسه آموزش‌عالی رهجویان دانش استان بوشهر، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول)

rahime.abasi@gmail.com

Abstract

Human life is a fundamental and precious asset that, if used properly, can bring happiness to people in the future. Loss of life by others is one of the most important and fundamental issues that exist in today's societies where the issue of responsibility and compensation for its loss is discussed. So, the fundamental question is, is the loss is of human life guaranteed by others? In other words, is the issue of life applicable or not? Since the main legal issues that are not explicitly stated or ambiguous in the law are based on jurisprudential rules, the present article uses a descriptive-analytical study method with the aim of examining the jurisprudential rules that can be guaranteed and compensated.compensation for loss of life of others, have a proper basis, has been written.according to studies, jurisprudential rules such as harmlessness, waste, justice and maintaining the system in the responsibility and compensation for loss of life of people have an important role that can be based on these people, people who waste the lives of others, responsible for compensation.

Keywords: Guarantee, Loss of Life, Damages, Jurisprudential Rules.

Received: 2022/01/29 -Review: 2022/05/19 -Accepted: 2022/06/11

چکیده

عمر انسانی از سرمایه اساسی و گران بها به شمار می‌رود که در صورت بهره صحیح از آن، می‌تواند برای اشخاص در آینده سعادت بخشی را به همراه داشته باشد. اتلاف عمر توسط غیر، از جمله مسائل مهم و اساسی است که امروزه در جوامع وجود دارد که موضوع مسئولیت و جبران زیان وارده آن، مورد بحث و بررسی است؛ بنابراین سوال اساسی آن است که اتلاف عمر انسانی توسط غیر، دارای ضمان است؟ به عبارت دیگر، آیا جبران خسارت اتلاف عمر براساس قواعد فقهی قابل ریشه یابی است؟ ازآنجاکه عمده مسائل حقوقی که در قانون به صورت صریح بیان نشده یا دارای ابهام بوده، براساس قواعد فقهی راه گشا است. نوشتار حاضر با استفاده از روش مطالعه توصیفی ـ تحلیلی و با هدف بررسی قواعد فقهی که می‌توانند در ضمان و جبران خسارت اتلاف عمر غیر، مبنای مناسبی داشته باشند، به رشته تحریر در آمده است. طبق بررسی و مطالعات انجام یافته، قواعد فقهی چون قاعده لاضرر، اتلاف، عدالت و حفظ نظام در مسئولیت و جبران خسارت اتلاف عمر اشخاص نقش مهمی دارند که می‌توان با استناد به این قواعد، اشخاصی را که باعث هدر رفت عمر غیر شوند، مسئول جبران خسارات دانست.

واژگان کلیدی: ضمان، اتلاف عمر، خسارت، قواعد فقهی.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۰۹ -بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۶ -پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

ارجاع:
سلیمانی، حمید؛ عباسی بناری، رحیمه؛ (۱۴۰۱)، قواعد فقهی کارا در مسئولیت اتلاف عمر اشخاص، تمدن حقوقی، شماره ۱۰.

Copyrights:
Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http: //creativecommons.org/licenses/by/4. 0) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

CC BY-NC-SA

COPE COMMITTEE ON PUBLICATION ETHICS

مقدمه

ارزشمندترین چیزی که انسان در زندگی دارد وقت اوست، زیرا وقت ظرف هر عمل و تلاش و هر چیزی است که انسان به دست می‌آورد؛ بنابراین وقت هم برای افراد و هم برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند سرمایه‌ای حقیقی است؛ که در واقع شیرازه حیات ما را تشکیل می‌دهد. ارزش وقت از آن جا دانسته می‌شود که خداوند در قرآن کریم سوره‌ای را به نام العصر فرو فرستاده (آیه اول سوره عصر) [۱] و در موارد مختلف قرآن به ارزش وقت و فرصت یاد کرده است (آیه ۷۸ سوره مومنون، [۲] آیه ۳۷ سوره فاطر[۳] و آیه ۵۶ سوره زمر[۴]. همین‌طور روایات به ارزش عمر و وقت و فرصت تأکید نموده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۷۵، ۱۱۶) باید از هدر رفتن گذشته عبرت گرفت و از تباه‌شدن آینده جلوگیری کرد. این فکر که باید

۱- وَالْعَصْرِ. سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل]

۲- وَهُوَ الَّذِی أَنْشَأَ لَکُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِیلًا مَا تَشْکُرُونَ و اوست آن کس که برای شما گوش و چشم و دل پدید آورد چه اندک سپاسگزارید.

۳- وَهُمْ یصْطَرِخُونَ فِیهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَیرَ الَّذِی کُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْکُمْ مَا یتَذَکرُ فِیهِ مَنْ تَذَکرَ وَجَاءَکمُ النَّذِیرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِینَ مِنْ نَصِیرٍ و آنان در آنجا فریاد بر می‌آورند پروردگارا ما را بیرون بیاور تا غیر از آنچه میکردیم کار شایسته کنیم مگر شما را [آن قدر] عمر دراز ندادیم که هر کس که باید در آن عبرت گیرد عبرت می‌گرفت و [آیا] برای شما هشداردهنده نیامد پس بچشید که برای ستمگران یاوری نیست.

۴- أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ یا حَسْرَتَا عَلَی مَا فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ کنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِینَ. تا آنکه [مبادا] کسی بگوید دریغا بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم بی‌تردید من از ریشخندکنندگان بودم.

سال‌ها قبل شروع می‌کردم یک اندیشه مخرب است. در عوض باید این‌گونه اندیشه کرد: می‌خواهم‌اکنون شروع کنم، بهترین سال‌های من پس از این است (شوارتز، ۲۰۰۸، ۵۰).

وقت یک سری خصایص و ویژگی‌هایی دارد و بر ما واجب است که این ویژگی‌ها را به‌درستی دریابیم و متوجه آن‌ها باشیم و در پرتو این ویژگی‌ها با وقت و زمان برخورد کنیم. انسان زمانی قدر وقت را می‌داند که بدان دسترسی ندارد مانند ساعات و لحظه‌ای که اجلش فرا می‌رسد یا آن هنگام که در آخرت جزای اعمال را می‌دهند. اولین و مهم‌ترین وظیفه انسان مسلمان در برابر وقت خویش آن است که آن را حفظ کرده و مراقب و مواظب آن باشد، باید بیشتر از مال از وقت مراقبت کرد، زیرا مال دوباره به دست می‌آید ولی وقت بازگشت ندارد. باید آن را در مواردی که به سود سعادت خود و رشد و ترقی روحی و مادی آن باشد صرف کند و از آن بهره گیرد. شایسته و سزاوار است که انسان وقت خویش را با کردارهای نیکو و افعال خیر پر سازد زیرا سپری‌کردن وقت در انجام کارهای نیک آن چنان مهم و ارزشمند است که خداوند در قرآن به او دستور داده در انجام این امور بر دیگران پیشی و سبقت بگیرید.

از جمله حقوق، حق آزادی است که زیر مجموعه‌های متفاوتی را در مورد آدمی شامل می‌شود از جمله آن آزادی، آزادی انسان در رفت‌وآمد، اقامت، ترک اقامت و... که از آن‌ها به‌عنوان آزادی تن تعبیر می‌شود. حال اگر این آزادی به‌طور غیرقانونی سلب شود مسلما ضمان‌آور خواهد بود، مواردی مانند بازداشت‌های غیرقانونی، حبس، اخفا، ربوده‌شدن افراد از این قبیل موارد است. علاوه‌براین موارد، از مصادیق بارز دیگری که در زندگی اجتماعی ما وجود دارد سلب آزادی موقت افراد (توقیف) افرادی است که به‌عنوان متهم در بازداشت به سر می‌برند و پس از مدتی که ممکن است در مواردی هم طولانی باشد از اتهام تبرئه و آزاد شوند. در چنین فرض‌هایی مسئله مهمی که حائز اهمیت است این است که با سلب آزادی تن از آدمی، عمر انسان نیز تلف می‌شود، بدین گونه که استفاده آزادانه از عمر در صورت سلب آزادی تن از او گرفته می‌شود. در نتیجه به اندازه‌ای که از او سلب آزادی تن می‌شود، به همان اندازه نیز از عمر او تلف می‌شود؛ بنابراین اگر کسی عمر شخصی را تلف کند، چه قواعد فقهی کارا در ضمان شخص وجود دارد؟ به عبارت دیگر، با فرض اینکه کاسبی دارای درآمدی است، زندانی شود و مغازه اش تعطیل شود آنگاه معلوم گردد که خطاکار نبوده آیا برای عمر هدر رفته ایشان، مبانی فقهی می‌تواند ضمان شخص را اثبات کند و آنگاه مطالبه جبران خسارات نماید؟ در این مقاله با روش توصیفی ـ تحلیلی به این موضوع با عنایت به قواعد فقهی چون قاعده لاضرر، اتلاف، عدالت و حفظ نظام پرداخته شده است. همه

این قواعد نشانگر آن است که جسم، جان، اموال و عرض او دارای ارزش است و بر این اساس می‌تواند ادله محکمی در مسئولیت و جبران زیان اتلاف عمر غیر باشد.

۱- مفاهیم

۱-۱- عمر یا وقت

در اصطلاح وقت یعنی ثانیه‌ها و لحظه‌هایی که در ظرف عمر طی می‌شوند. وقت همان عمر انسان است که سرمایه‌ای بالاتر از آن نیست، مشروط بر اینکه از آن برای رشد و ترقی ظاهر و باطن استفاده شود، یعنی وقت نردبان ترقی گردد، وگرنه نه‌تنها سرمایه نیست بلکه سرمایه و وسیله شر و تیره بختی است. بر همین اساس امام سجاد(ع) در فرازی از دعای خود به خداوند عرض می‌کند: «عمر طولانی تا هنگامی که عمرم در راه اطاعت تو صرف شود به من عطا کن و هرگاه عمرم چراگاه شیطان گردد، جانم را قبل از پیشی‌گرفتن عذابت بگیر.»[۵] (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰) و در فراز دیگر امام(ع) آورده است: «خدایا مرا در وقت‌های غفلت و بی‌خبری، برای یاد خودت هوشیار و بیدار کن و در روزگار فرصت و فراغت به عبادت و بندگی بگمار.»[۶] (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰).

۱-۲- مال

مال جمع آن اموال است که دارای معنی و مفهوم روشنی است و به همین دلیل کمتر مورد توجه و توصیف قرار گرفته است. بعضی معنای آن را معلوم و واضح دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج۱، ۲۳۸). علامه طباطبایی در مورد واژه مال می‌نویسد: «مال عبارت از ملکی است که طبعا مورد میل و رغبت باشد و گویا اصلاً از میل گرفته شده، به مناسبت اینکه دل‌ها به آن مایل است.» (طباطبایی، ۱۴۰۴ق، ج۲، ۵۲). محقق بجنوردی مال را به سه قسم تقسیم کرده است: قسم اول اعیان و جواهر؛ قسم دوم عوارض یا منافع؛ قسم سوم اموال اعتباری نظیر اوراق و اسناد مالی. همچنین ایشان، تمام چیزهایی که حوائج و امور زندگی انسان به وسیله آن برطرف می‌شود یا می‌تواند وسیله تحصیل آن امور قرار گیرد، را به‌عنوان مال شمرده است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج۲، ۳۰)؛ بنابراین با توجه به روشنی معنای مال، این لغت مفهوم وسیعی دارد و تمام عین یا منفعت و یا از نوع مال اعتباری مثل اسناد مالی و ارزشی که جنبه مالی را داشته

۵- و عَمِّرنِی ماکانَ عُمرِی بِذلَةً فِی طاعَتِکَ، فَإذا کانَ عُمرِی مَرتَعاً لِلشَّیطانِ فاقبِضنِی اِلَیکَ.

۶- و نبّهنی لِذِکرِکَ فِی اَوقات الغَفلَةِ، وَ استَعمِلنِی بِطاعَتِکَ فِی اَیّامِ المُهلَةِ.

باشد، را دربرمی‌گیرد. در مورد اتلاف عمر و وقت انسانی که فوت شده و برای شخص دارای منفعت بوده و فرصتی از شخص هدر رفته است باید گفت این وقت دارای ارزش بوده و به‌عنوان مال قلمداد می‌شود و اتلاف آن براساس قواعد فقهی دارای ضمان است.

۲- تحلیل قواعد فقهی در مسئولیت اتلاف عمر افراد

قواعد فقهی کارا که می‌توان در مسئولیت و جبران خسارت اتلاف عمر افراد به آن اشاره کرد، قواعد لاضرر، اتلاف، عدالت و حفظ نظام است.

۲-۱- قاعده لاضرر و لاضرار

از جمله قواعد اساسی که می‌تواند در تحلیل مسئله مورد بررسی قرار گیرد، قاعده لاضرر و لاضرار است. یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات و معاملات به آن استناد می‌شود، قاعده لاضرر است که مستند بسیاری از مسائل فقهی محسوب می‌شود.

مدارک قاعده: آیات: در مورد مدرک قاعد لاضرر به چند آیه استناد کرده‌اند: از جمله این آیات، آیه ۲۳۱ سوره بقره[۷] مربوط به عده زنان در طلاق رجعی است. بدین وسیله مردان را از رجوع در عده بدون آن که میل و رغبت به ادامه زندگی داشته باشند، نهی می‌فرماید. آیه دیگر، در آیه ۲۳۳ سوره بقره[۸] هم ضرر و زیان رساندن به فرزند را مورد نهی قرار داده است. روایات: در خصوص قاعده لاضرر روایات بسیار زیادی وارد شده که از فرط تعدد به صورت تواتر اجمالی درآمده‌اند. به این معنی که هرچند همه روایات به یک معنا نیستند، ولی مضمون واحدی دارند (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۱۳۳). اساسی‌ترین این روایات، روایت ثمره بن جندب است که رسول خدا(ص) در قسمت آخر حدیث می‌فرماید: «تو مرد ضررزننده‌ای هستی و به مؤمن کسی نباید ضرر بزند.[۹]» در این روایت ضرر و زیان نسبت به مؤمن را مورد نهی قرار می‌دهد (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ۲۹۴).

معنای ضرر و ضرار: از لحاظ لغوی بعضی ضرر را به معنای ضدنفع معنا کرده‌اند (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج۳، ۱۵). بعضی از تعریف ضرر گفته‌اند که ضرر اسم مصدر است که معنایش نقص و خسران است که

۷- وَلَاتُمْسِکوهُنَّ ضرَاراً لِتَعْتَدُواْ و هیچ‌گاه به خاطر زیان رساندن و تعدی کردن، آن‌ها را نگاه ندارید.

۸- لَاتُضَارَّ وَالدَه بوَلَدهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَّهُ بوَلَده. نه مادر حق ضرر زدن به کودک را دارد، ونه پدر.

۹- آنک رَجُلٌ مُضارٌ و لا ضررَ و لا ضِرار علی مؤمن.

ضدمنفعت و زیادت است (مصطفوی، ۱۴۱۷ق، ۲۴۴). بعضی گفته‌اند ضرر در مقابل نفع است و آن شامل نقص در نفس یا در عرض یا در مال یا در عضو است و اظهر آن است که کلمه ضرار به معنای ضرر است و در اینجا به معنای تأکید است. لذا کلمه ضرار به معنای ضرر است (خراسانی، کفایه الاصول، ۳۸۱). بعضی هم گفته‌اند ضرار مصدر باب مفاعله است و در این صورت که مفاعله از دو طرف است؛ بنابراین معنایش ضرر رساندن به غیر است. در مقابل ضرر که ضرر رساندن بر خود است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج۱، ۲۱۴).

مفاد قاعده لاضرر: آنچه در اینجا مهم و به بحث ما مربوط است این است که آیا می‌توان براساس قاعده لاضرر، مسئولیت اتلاف عمر غیر را اثبات کرد یا خیر؟ در این باره باید مفاد جمله لاضرر و لاضرار که فقها اظهارنظر نموده و دارای چندین نظریه است بیان شود:

دیدگاه اول: نظریه نفی حکم- این نظریه، دیدگاه شیخ انصاری است که «لا» در جملهٔ مذکور به معنای نفی جنس، به کار رفته است، ولی کلمه «حکم» در تقدیر است؛ بنابراین معنای جمله مذکور این است که هیچ حکمی در شرع وضع نشده است که موجب ضرر و زیان بندگان شود. پس هرجا حکم ضرری باشد، خواه حکم تکلیفی باشد یا وضعی، با استناد به این روایت می‌توان آن را نفی کرد (مصطفوی، ۱۴۱۷ق، ۲۴۴).

دیدگاه دوم: نظریه نفی حکم به لسان نفی موضوع- این نظریه، دیدگاه آخوند خراسانی است که نفی حکم در حدیث لاضرر، به لسان نفی موضوع است یعنی، از طریق نفی موضوع، حکم ضرری برداشته شده و با برداشته‌شدن موضوع، دیگر چیزی برای اجرای حکم ضرری باقی نمی‌ماند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ۲۶۷).

دیدگاه سوم: نظریه نفی ضرر و غیر متدارک- این نظریه، دیدگاه مرحوم نراقی و فاضل تونی است که «لا» در جمله، نافیه است و لاضرر به معنای ضرر غیرمتدارک موجود فی الشریعه است (نراقی، ۱۴۰۸ق، ۱۸). یعنی، در نظر شارع موردی وجود ندارد که کسی به دیگری ضرر وارد آورد، ولی ملزم به جبران آن نباشد. این معنی کنایه از وجوب تدارک ضرر است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج۱، ۲۵۷).

دیدگاه چهارم: نظریه حمل نفی بر نهی- این نظریه، دیدگاه شیخ الشریعه اصفهانی است که «لا» در قاعده، لای ناهیه است که بر این اساس «لا» در معنای مجازی، استعمال شده است؛ بنابراین خداوند مردم را از ایجاد ضرر به دیگران نهی کرده و هیچکس مجاز در ایراد ضرر به دیگری نیست (اصفهانی، بی تا، ۲۵).

دیدگاه پنجم: نظریه نهی حکومتی و سلطانی- این نظریه، دیدگاه امام خمینی (ره) است که ایشان ضمن پذیرش معنای نهی از نفی در قاعده لاضرر، معتقدند که مراد، نهی حکومتی و سلطانی است. پیامبر(ص) برخی از امرها و نهی‌هایی که صادر می‌کردند به اعتبار مقام حاکم و سلطان بودنش، بوده است، لذا این نهی‌ها، نهی‌های حکومتی و سلطانی است. براساس این نظریه، مفاد قاعده لاضرر این است که پیامبر(ص) به اعتبار مقام حکومتی خود، برخی از نهی‌هایی را صادر می‌کند و ضرر و زیان‌هایی را باز می‌دارد. به تعبیر دیگر، نهی پیامبر(ص) به اعتبار مقام حکومتی‌اش، به این معنا است که هیچ کس نباید به دیگران ضرر وزیان برساند (خمینی، ۱۴۱۰ق، ج۳، ۱۱۵).

از بین دیدگاه‌های مذکور، نظر شیخ انصاری که معتقد است شارع حکم ضرری را به این وسیله نفی کرده است به‌عنوان نظر مشهور متأخران، طرفدار بیشتری دارد و فقها در موارد گوناگون از آن استفاده کرده‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج۱، ۱۸۸).

تطبیق قاعده: برای تطبیق قاعده لاضرر با مقوله مسئولیت اتلاف عمر غیر بدین صورت گفته می‌شود: اولاً؛ دو عنوان ضرر از مفردات قاعده لاضرر که معنای مختلفی برای آن ذکر کردیم به نظر می‌رسد که به وضوح اتلاف عمر غیر با قاعده انطباق دارد؛ بنابراین روشن است که منظور از ضرر در این قاعده، ضرر به‌طور مطلق بوده و شامل هر نوع ضرر و زیانی که از ناحیه فردی به دیگری وارد شود. پس اگر کسی موجب ورود ضرر به زمان و یا به اصطلاح عمر انسان که مسلم و قطعی باشد، شود، براساس قاعده لاضرر خسارت وارده باید جبران شود. ثانیاً؛ از یک طرف با دقت در دیدگاه‌های مختلف در مورد مفاد قاعده لاضرر که ضرر و زیان و خسارت در شریعت اسلام مذموم و غیرمشروع است؛ همان‌طور که براساس نظر مشهور ضرر و زیان نفی شده است و ازسوی‌دیگر با توجه به اینکه با اتلاف عمر غیر که دارای ارزش بوده لذا به دست می‌آید که اتلاف عمر غیر به روشنی مشمول قاعده واقع می‌شود. ثالثاً؛ براساس نظریه امام خمینی (ره) فهمیده می‌شود که در حکومت اسلامی هیچ کس نباید به دیگری ضرر بزند و در واقع هر جا ضرر برای نظام اسلامی و جامعه باشد؛ باید حکومت اسلامی با آن مقابله کند و ضرر را دفع کند؛ بنابراین اتلاف عمر غیر چه در سطح عادی و چه در سطح بالا که توسط مراجع دولتی صورت می‌گیرد باید جبران خسارت شود. با توجه به فلسفه جعل قاعده لاضرر که جهت جلوگیری از ضرر در جامعه است لذا هدردادن عمر و وقت انسانی براساس قاعده لاضرر دارای مسئولیت است و باید جبران خسارت شود.

۲-۲- قاعده اتلاف

از قواعد دیگری که می‌تواند در تحلیل مسئله مورد بررسی قرار گیرد، قاعده اتلاف است. قاعده اتلاف عنوان آن در فقه از عناوین ضمان بدون تقصیر است. مستندات این قاعده شامل کتاب، روایات، اجماع و بنای عقلا است. از جمله دلیل اساسی آن «هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن است[۱۰]» این دلیل را یک حدیث منقول از معصوم(ع) تلقی کرده‌اند. هرچند این عبارت در کتب حدیثی دیده نمی‌شود، ولی از چنان شهرتی برخوردار است و آن چنان مورد استفاده فقها قرار گرفته که در حدیث‌بودن آن تردیدی باقی نمی‌ماند و در بسیاری نصوص دیگر نیز کلماتی حاکی از مضمون این جمله وجود دارد. براساس این مورد اتلاف هم اتلاف از روی تقصیر را شامل می‌شود و هم اتلاف بدون تقصیر و از روی جهل و غفلت؛ بنابراین براساس اطلاقات این دلیل، در پدید آمدن نوع ضمان، به‌هیچ‌وجه عنصر عمد و قصد دخالت ندارد. ازاین‌رو شخصی که با عمل خویش موجب تلف مال دیگری شده، ضامن و ملزم به جبران خسارت وارده شده است، اعم از اینکه عالماً چنین کرده باشد یا بدون قصد، عملش چنین نتیجه‌ای داده باشد. لازم به ذکر است عدم دخالت عنصر قصد و عمد در پدید آمدن ضمان بدین معنا نیست که در هیچ یک از مراحل، عملی که مجوز انتساب و استناد تلف به فاعل باشد لازم نیست، بلکه بی‌گمان احراز انتساب عمل به فاعل ضروری است؛ بنابراین در تحقق اتلاف آنچه مهم است این است که بتوان انتساب فعل موجب ضرر و زیان را به شخص ثابت کرد. غیرعمدی‌بودن اتلاف مانع ایجاد مسئولیت و ضمان نیست و علم و جهل متلف در عملی که انجام می‌دهد نیز شرط تحقق اتلاف نیست. اتلاف در مسائل مختلف اعم از اموال، جسم و جان افراد کاربرد دارد و قابل استناد است (طباطبایی، ۱۴۰۴ق، ۵۳۳).

تطبیق قاعده- برای استناد به این قاعده ابتدا باید ثابت کرد که عمر اشخاص، مال است و در صورت تلف آن و یا تحقق هرگونه نقص در آن مشمول قاعده اتلاف می‌شود. همان‌طور که در تعریف مال و عمر بیان شد عمر، همه لحظه‌ها و دقایقی است که از زمان تولد فرد تا زمانی که فرصت خدادادی او تمام می‌شود، به هم می‌پیوندند. در نتیجه این پیوستن‌ها عمر افراد و سن آن‌ها شکل می‌گیرد و ظرف انجام تمام اعمال انسان‌ها می‌شود. ظرف کارکردن و به دست آوردن درآمد، تحصیل و غیره که جزء اوقاتی هستند که برای هر فردی دارای ارزش هستند. این وقت و عمر انسانی است که سرمایه اصلی برای تمام فعالیت‌ها است و اگر وقت نباشد هیچ عملی از انسان صادر نمی‌شود. پس این‌گونه است که نیروی انسان‌ها مال

۱۰- من اتلف مال الغیر فهو له ضامن

محسوب می‌شود. همان‌طور که امام خمینی (ره) مفهوم مال را مفهومی عقلایی و عرفی می‌داند که براساس آن می‌توان نتیجه گرفت عرف عقلاء امروزه هر لحظه از عمر افراد را دارای ارزش می‌دانند. به‌علاوه این عرف است که قلمرو قاعده اتلاف را تعیین می‌کند و مطابق با منفعت متصور از هر چیز سبب سلطه و آثار آن، عرف آن را تلف و افساد برای صاحب آن محسوب می‌کند (سادات میری، ۱۳۹۱، ۶۷)؛ بنابراین هدردادن عمر و وقت انسانی که قابل انتساب به غیر باشد براساس قاعده اتلاف دارای مسئولیت است و باید جبران خسارت شود.

۳-۲- قاعده عدالت

از جمله قواعد دیگری که در مسئله حائز اهمیت است، قاعده عدالت است. شهید مطهری در مورد عدالت آورده اند: «اصل عدالت از مقیاس‌های اسلام است که باید دید چه چیزی بر آن منطبق می‌شود. عدالت در سلسله احکام است نه در سلسله معلولات. نه این است که آنچه دین گفت عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید.» (مطهری، ۱۳۸۹، ۴۸). این قاعده از قواعد مهم بلکه از اصول اساسی در دین اسلام است که در قرآن (سوره نحل آیه ۹۰؛ سوره ص آیه ۲۶؛ سوره حدید آیه ۲۵؛ سوره شوری آیه ۱۵) و روایات بر آن تأکید شده است (آمدی، ۱۳۶۶، ج۱، ۱).

تطبیق قاعده- عمر انسان دارای ارزش است و در جایی که برای ایشان دارای منفعت بوده و فرصتی از ایشان فوت شده است عدالت حکم می‌کند که به وقت و عمر انسان احترام گذاشت و چنین اتلافی به منزله کاری غیرعادلانه قلمداد می‌شود و بر این اساس شخص دارای مسئولیت بوده و باید جبران ضرر و زیان کند.

۴-۲- قاعده حفظ نظام جامعه

از قواعد فقهی دیگری که در مسئولیت عمر و زمان انسان قابل استناد است قاعده حفظ نظام اجتماعی است. این قاعده مورد توجه و استناد شارع مقدس بوده است. از جمله استدلال امام صادق(ع) به این قاعده جهت اثبات اعتبار قاعده «ید» است. فردی از امام صادق(ع) می‌پرسد که آیا اگر من مالی را در دست شخصی دیدم، می‌توانم شهادت دهم که مال متعلق به اوست؟ امام(ع) در جواب فرمودند: بله. فرد گفت: شهادت می‌دهم که مال در دست اوست، ولی شهادت نمی‌دهم که مال متعلق به اوست؛ چون که ممکن است متعلق به دیگری باشد. امام(ع) از او پرسیدند: آیا خرید آن مال از او مجاز است؟

شخص در پاسخ گفت: بله. امام(ع) فرمودند: شاید آن مال متعلق به دیگری باشد، چگونه خرید آن برای تو مجاز بوده و ملک تو می‌شود و می‌گویی که متعلق به من است و بر این ادعای خود سوگند می‌خوری، درحالی‌که جایز نیست بگویی که فردی که تو از طریق او مالک این مال شدی، قبلاً مالک آن بوده است؟ سپس امام(ع) فرمودد: اگر انتساب مال به کسی که آن را در اختیار دارد صحیح نباشد، بازار و دادوستدی برای مسلمانان شکل نخواهد گرفت (حر عاملی، بی تا، ج۷، ۲۱۵). این حدیث به روشنی به قائده حفظ نظام تأکید دارد.

بعضی از فقها حفظ نظام و مصالح مسلمین را فلسفه تشکیل حکومت می‌داند و در این باره می‌نویسد سرپرست مسلمانان می‌تواند امری را که بر صلاح و مصلحت مسلمانان است انجام دهد و به‌طورکلی هر آنچه در حفظ نظام و مصلحت جامعه نقش دارد. در ادامه می‌گوید که حفظ نظام از واجبات مؤکد است و اختلال امور مسلمین از امور مبغوضه است (خمینی، روح‌الله، البیع، ج ۲، ص ۴۶۱). مرحوم صاحب جواهر، وجوب نصب قاضی را مستند به جلوگیری از اختلال نظام می‌دانند. همچنین در مورد مصلحت می‌نویسد: «از اخبار و سخنان فقیهان بلکه از ظاهر قرآن، فهمیده می‌شود که همه دادوستدها و معاملات و غیر آن برای مصالح و سودهای دنیوی و اخروی مردم است یعنی آنچه از نظر عرف، مصلحت و سود نامیده می‌شود، تشریع شده است.» (نجفی، ۱۹۸۱، ج۲۳، ۴۰۴)؛ بنابراین به دست می‌آید که حفظ نظام و مصالح عمومی قاعده‌ای ثابت و مسلم است. بدون شک هر چیزی که مخالف نظام و مصالح جامعه باشد، حکومت اسلامی باید جهت حفظ نظام و مصالح جامعه با آن برخورد و مقابله کند و وضع مقرراتی نماید.

تطبیق قاعده- براساس این قاعده باید گفت اگر اتلاف‌کردن وقت افراد و یا حبس نمودن آن‌ها دارای مسئولیت نباشد هرکسی می‌تواند به‌راحتی بی‌احترامی به زمان افراد کند و اقدام به حبس نمودن آن‌ها خصوصا در مورد مخالفان خود نماید و یا در محاکم قضایی بازداشت و حبس‌های بی‌رویه بدون بررسی و کارشناسی و تحقیق شود که بر این اساس باعث می‌شود که جامعه اسلامی به ظلم، تجاوز و هرج‌ومرج کشیده شود؛ بنابراین لازم است که به منظور جلوگیری از اختلال و حفظ نظم بیشتر مصالح اجتماعی و محاکم قضایی، افراد جامعه به زمان دیگران ارزش قائل باشند و موجب اتلاف وقت دیگران نشوند و بازداشت‌ها و حبس‌ها در محاکم قضایی با دقت صورت گیرد و بی‌رویه انجام نشود و در جایی که اتلاف وقت افراد جامعه و محبوسین صورت پذیرفته است می‌بایست جبران خسارت شود (عابدینی، ۱۳۸۶، ۸۳).

نتیجه

از مطالبی که در این مقاله مورد بررسی و تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت موارد ذیل قابل استنتاج است:

– عمر انسان سرمایه اصلی برای تمام فعالیت‌های اوست و اگر این عمر و وقت نباشد هیچ عملی از انسان صادر نمی‌شود و در جایی که منفعتی و یا فرصتی از شخص سلب شده باشد، ضرر و زیان حاصل می‌شود؛ بنابراین با توجه به مفهوم مال که مفهوم وسیعی و گسترده است شامل عمر انسانی هم می‌شود چراکه دارای ارزش و اعتبار مالی است. – در قاعده لاضرر، ضرر به‌طور مطلق بوده و قلمرو آن هر نوع ضرر و زیان وارده را دربرمی‌گیرد. پس اگر اتلاف عمر انسانی مسلم و قطعی باشد در قلمرو ضرر و قاعده لاضرر قرار می‌گیرد و با توجه به فلسفه جعل قاعده لاضرر که در جهت جلوگیری از ضرر و زیان اشخاص وضع شده است لذا افرادی که باعث هدردادن عمر و وقت انسانی شوند که این اتلاف قطعی و مسلم باشد، مسئول شناخته می‌شوند و باید جبران خسارت کنند. – عمر انسان به‌عنوان مال است و براساس قاعده اتلاف اگر هدردادن عمر و وقت انسانی قابل انتساب به غیر باشد، شخص متلف دارای ضمان است و باید جبران خسارت شود. لازم به ذکر است که این اتلاف قطعی و قابل انتساب به شخص متلف باشد. – براساس قاعده عدالت، اتلاف نمودن عمر انسانی به منزله کاری غیرعادلانه قلمداد می‌شود و بر این اساس شخص دارای مسئولیت بوده و باید جبران زیان نماید. – اگر اتلاف‌کردن وقت افراد و یا حبس نمودن آن‌ها دارای مسئولیت نباشد هرکسی می‌تواند به‌راحتی به زمان افراد بی‌احترامی کند و بی‌رویه اقدام به حبس و بازداشت نمودن آن‌ها نماید که همین باعث می‌شود جامعه اسلامی به ظلم، تجاوز و هرج‌ومرج کشیده شود؛ بنابراین به منظور جلوگیری از اختلال و حفظ نظم بیشتر مصالح اجتماعی و محاکم قضایی، لازم است اتلاف وقت و عمر انسانی دارای مسئولیت باشد و ضرر و زیان ناشی از آن به صورت دقیق تعیین و جبران شود.

تعارض منافع

تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

منابع

ـ قرآن کریم
ـ صحیفه سجادیه

فارسی

ـ سادات میری، نیره، ۱۳۹۱، **تحلیل فقهی و حقوقی ضمان اتلاف عمر و بررسی آراء امام خمینی**

در قبال آن، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

ـ شوارتز، دیوید، ۲۰۰۸، **جادوی فکر بزرگ**، ترجمه ژنا بخت آور، تهران، انتشارات مروارید.

ـ عابدینی، احمد، ۱۳۸۶، **بررسی اقتضای کرامت انسان در عرصه کیفیت ضمانت اتلاف عمر**، چاپ اول، انتشارات عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)).

عربی

ـ آخوند خراسانی، محمدکاظم، ۱۴۰۹ق، **کفایة الاصول**، ج ۲، چاپ اول، مؤسسه آل البیت(ع).

ـ آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، **غرور الحکم و دررالحکم**، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

ـ اصفهانی، شیخ فتح‌الله، بی‌تا، **قاعده لاضرر**، قم، دفتر انتشارات اسلامی قم.

ـ حرعاملی، محمد بن حسن، بی‌تا، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، جلد ۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

ـ طباطبایی، سید علی، ۱۴۰۴ق، **ریاض المسائل**، ج ۲، بیروت، انتشارات مؤسسه آل البیت.

ـ طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵ق، **مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن**، جلد اول، الطبعه الاولی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

ـ طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۶ق، **مجمع البحرین**، ج ۳، چاپ سوم، بیروت، دارء احیاء التراث الدین

ـ کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۷، **اصول کافی**، جلد ۵، تحقیق علی اکبر غفاری، الطبعه الثالثه، دارالکتاب الاسلامیه.

ـ مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، **بحارالانوار**، جلد ۷۵، چاپ دوم، مؤسسه الوفا.

ـ محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۸۳، **قواعد فقه (بخش مدنی)**، چاپ چهاردهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.

ـ مصطفوی، سیدمحمدکاظم، ۱۴۱۷ق، **القواعد مئه قاعده فقهیه**، الطبعه الثالثه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

ـ موسوی بجنوردی، سیدحسن، ۱۴۱۹ق، **القواعد الفقهیه**، ۷ جلدی، ج ۱، چاپ اول، انتشارات الهادی.

ـ خمینی، سیدروح الله، بی‌تا، **تحریرالوسیله**، ج ۱، چاپ اول، قم، انتشارات دارالعلم.

ـ خمینی، سیدروح الله، ۱۴۱۰ق، **کتاب البیع**، قم، انتشارات اسماعیلیان.

ـ نجفی، محمدحسن، ۱۹۸۱، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۲۳، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

ـ نراقی، مولی احمد بن محمد، ۱۴۰۸ق، **عوائدالایام**، قم، انتشارات بصیرتی.

ISSN: 2783-1841
ISSN: 2873-1922

Legal Civilization

No.10-Spring 2022

- Civil liability of the Official expert of the Judiciary in Iranian and French Law with Emphasis on Judicial Procedure - Hasan Badini, Sepideh Razi, Mohamad Mehdipour
- Saadi Shirazi's Compatibilities with the Teachings of Modern Public Law Majid Najjarzadeh Hanjani
- Criminal Protection of the Right to the Environment SHima Naderi, Majid Motallebi
- The Role of Civic Society in Citizenship Rights' Establishment Farzaneh Dashti, Abdolkarim SHaheydar
- The Effects of Increasing the Capital of Joint Stock Companies in Iranian and American Law Afshin Mojahed
- Judicial Challenges in Combating Environmental Crimes in Iranian Criminal Law Esmaeil Kashkoulian, Abass Sheik-holeslami
- International Aviation Law Approach to Liability for Corona Virus Transmission in Aviation Yeganeh Sadat Safavi
- Effects of Government Contracts on Iranian and British Law Mohammad Reza Burbur
- Mediation, Participatory Justice System, third Generation Criminal Justice System and Litigation Rights - Sadegh Fetili, Sayyed Mohammad Salehi
- Value and Validity of Expert Theory in Iranian and French Law Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Maisam Sobhani
- Environmental Policy Approach in Reducing Risks; Strategies and Approaches Zahra Tallieeolia, Davud Khorramdel
- Efficient Jurisprudential Rules in the Responsibility of Wasting People's Time Hamid Soleymani, Rahime Abbasi - Bonari
- the Role of UN Agencies in Preventing Environmental Pollution from Waste as Global Biosecurity Rostam Ali Akbari, - Sayyed Mehdi Mousavi
- Fundamentals of Correcting Non-Common Contracts in the Era of Legislation by Relying on Religious Rerms and Gen-eralities Sayyed Alireza Amin
- New Reproductive-Biological Technologies and Child Rights: An Introduction to the Future of Childhood in Iran - Maryam SHa'ban
- Pathology of Determining the Punishment in Family Crimes in Fifth Book of the Islamic Penal Code (Tazirat) Approved in 1996; From Explaining the Damage to Providing Solutions Mahdi Mozafari Anari, Mohammad Amini Zadeh, Ali Arefi Maskoni
- The Principle of Correctness in Transactions with Emphasis on the Possibility of its Flow in Legal Doubts Maedeh - Chini Saz, Omid Mohammadi, Ghasem Shaabani
- About the Theory of Invalidity of Preliminary Investigations in the Iranian Criminal Proceedings (According to the Code of Criminal Procedure Approved in 2014) Masoud Fadaei Dehcheshmeh, Amir Soleimani, Homeira Taheri
- A Reflection on the Law Governing the Contractual Obligations of the Insurance Contract in Iranian and American Law - Farzad Karami kolmoti, Hamed Babaei
- Investigating the Establishment of Bailment in the British and American Legal Systems and its Application to the Trust Institution in Iranian Law Nastaran Arzainan, Mahsasadat Nabavi
- Criteria for Separating the Crime of Kidnapping from Similar Crimes in the Iranian Penal System Ahmadreza - Emtehani, Javad Naderi ooj Boghzi, Ali Paidarfard
- An Introduction to the Principles and Obstacles of Extradition in International Law Reza Alipanah
- Corona Virus Effects on Juvenile Delinquency with Respect to USA Law Peyman Dolatkhah Pashaki
- Manifestations of Change in the Differential Criminal Policy of the Crimes of the Armed Forces of Iran and the United States of America by the Method of Impunity and Decriminalization Yasser SHakeri, Alireza Salehi, GHolam Hosein Rezaei